

شیمیل، عرفان و ایران

گزارشی از همایش عرفان، پلی میان فرهنگها؛ بزرگداشت پروفیسور آنه ماری شیمیل ۲۲-۲۳ مهرماه ۱۳۸۱ - دانشگاه تهران

۱. اشاره

پروفیسور آنه ماری شیمیل، بزرگ بانویی که بحق لقب سفیر فرهنگی میان شرق و غرب را دریافت کرده است، در بین محافل فرهنگی مغرب زمین و کشورهای مشرق (اسلامی)، چهره‌ای شناخته شده و مورد احترام است. در ایران نیز اقبال به پژوهشها و آثار علمی پروفیسور اقبال، که بخشی از آن به واسطه ترجمه آثار ایشان به زبان فارسی نشان داده شده است، چشمگیر و درخور اعتنا بوده و هست. در واقع برای جامعه فرهنگی ما این جمله پروفیسور شیمیل که در زندگینامه خود نوشت ایشان آمده است: «من همیشه در فضای فرهنگی ایران تنفس کرده‌ام»، سراسر مملو از احترام و تکریم ایشان به فرهنگ والای ایرانی - اسلامی، به شمار می‌رود. نگاهی به رنوس و عناوین کتب و مقالات خانم شیمیل نیز نشانگر تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر ایشان برای دست‌یابی به فهمی عمیق و ژرف از فرهنگ و اندیشه‌های والای پدید آمده در حوزه فکری شرق اسلامی و ایران و نیز معرفی درست و کامل آن به جامعه غربی و غیرمسلمان، است. از این رو در مهرماه سال جاری، به همت مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و با مشارکت دانشگاه تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها و برخی مؤسسات فرهنگی دیگر، همایش «عرفان، پلی میان فرهنگها» به پاس تجلیل از مقام شامخ علمی و پژوهشی ایشان، در محل تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد. جالب آنکه پروفیسور شیمیل، دعوت مؤسسات برگزارکننده همایش را با علاقه بسیار پذیرا شده، و در ایام برگزاری همایش به

ایران آمده، در جلسات سخنرانیها حضور یافتند. این در حالی بود که چند ماه قبل از آن، با بیماری سختی - که هنوز آثار آن در چهره و جسمشان باقی مانده و مانع از فعالیت عادی و معمول ایشان می‌شد - رویه رو شده بودند. لازم به ذکر است در جریان سفر ایشان به ایران، دانشگاه الزهراء، اولین دکترای افتخاری رشته تاریخ اسلام را به وی اهداء نمود. همچنین شاهد ایراد سخنرانیهای ایشان در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و کانون فارغ التحصیلان ایرانی از کشورهای آلمانی زبان و نیز در همایش عرفان، بودیم. در ادامه ضمن ارائه شرحی مختصر از سیر زندگانی و فعالیتهای «فرزانه بانوی دلباخته عرفان شرق»، مروری اجمالی بر مضامین سخنرانیهای ایراد شده در همایش دو روزه «عرفان، پلی میان فرهنگها» خواهیم داشت.

۲- آنه ماری شیمیل

پروفیسور آنه ماری برگیت شیمیل، در سال ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۱ ش) در شهر «ارفوت» آلمان، در خانواده‌ای پروتستان چشم به جهان گشود. تقدیر چنان بود که از ایام نوجوانی علاقه شدیدی به فرهنگ و زبانهای شرقی (اسلامی) یافته و با تعمیق و گسترش علاقتش به آن حوزه، تحصیل دانشگاهی خود را نیز در زمینه زبان و ادبیات عربی و علوم اسلامی، در دانشگاه برلین، قرار دهد. وی در سال ۱۹۴۱ م، از رساله تحصیلی خود که تحت عنوان «خلیفه و قاضی در مصر اواخر قرون وسطی» به رشته تحریر درآمده بود، دفاع کرده و سپس در سال ۱۹۴۳ م، دوره دکتری فلسفه خود را



در رشته شرق‌شناسی به اتمام رسانید و به کار در وزارت امور خارجه آلمان پرداخت. بعد از جنگ، در دانشگاه «ماربورگ» به تدریس دروس مختلفی چون: زبان و ادبیات عربی و معارف اسلامی و اسلام‌شناسی و... پرداخت (۱۹۴۶-۱۹۵۳ م.). وی در کنار فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود، موفق شد دومین دورهٔ تحصیل عالیّه خود را با اخذ مدرک دکتری در رشته «تاریخ ادیان» به پایان برد.

سفرهای علمی و مطالعاتی پروفیسور شیمیل به کشورهای مختلف اروپایی و شرقی، نتایج پرباری برای او دربرداشت. به ویژه سفری که در سال ۱۹۵۲ م به ترکیه انجام داد و ضمن بررسی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های استانبول، از آرامگاه مولانا دیدار و با برخی از روشنفکران ترک مراداتی برقرار کرد. دستاوردهای علمی ایشان در این سفر به زودی باعث شد از وی به عنوان استاد کرسی «تاریخ و اصول ادیان» در دانشکده الهیات آنکارا دعوت به عمل آید. وی با پذیرش این دعوت، ضمن نشان دادن علاقه خود به زندگی در جامعه شرقی، فرصت مناسبی پیدا کرد تا گسترهٔ مطالعات و پژوهشهای خود را در ادبیات کلاسیک ترک و نیز مسائل اسلام در دنیای جدید و نیز عرفان اسلامی و ایرانی و غیره، تا حد اعلاّی ممکن توسعه دهد.

پس از بازگشت به آلمان، در دانشگاه بن به تدریس مباحث مختلف اسلام‌شناسی پرداخت (۱۹۶۱-۱۹۶۵ م) و سپس مسئولیت کرسی «فرهنگ اسلامی» را در دانشگاه هاروارد، پذیرا شد و از سال ۱۹۶۷ م، به عنوان پروفیسور (استاد) و از سال ۱۹۷۰ م، اختیارات کامل کرسی تدریس «تاریخ ادیان خاوری» در دانشگاه هاروارد، شد.

پروفیسور شیمیل علیرغم مشغلهٔ دائمی در امر تدریس در دانشگاههای آلمان، ترکیه، انگلیس و آمریکا، کثیرالسفر بوده و هست. سفرهای ایشان به کشور پاکستان، که متعاقب دلبستگی او به آراء و اندیشه‌های متفکر بزرگ پاکستانی - علامه محمد اقبال - انجام می‌شد، و نیز دیدارهای ایشان از مصر، عراق، یمن، ایران و... به آشنایی بیشتر با واقعیتهای موجود در جوامع اسلامی می‌انجامید.

شگفت آور آنکه پروفیسور شیمیل در کنار فعالیتهای دانشگاهی و شرکت در مجامع علمی و فرهنگی کشورهای غربی و اسلامی، شمار تألیفات، ترجمه‌ها، مقالات و سخنرانیهای ایراد شده توسط ایشان، خیره‌کننده است. کافی است یادآوری شود تعداد کتب تألیفی و ترجمه شده توسط وی بالغ بر ۱۰۵ مجلد می‌گردد.^۱

تلاشها و مجاهدتهای چشمگیر پروفیسور شیمیل در عرصهٔ پژوهش و تحقیق عالمانه در حوزهٔ فرهنگ و عرفان شرق اسلامی، از سوی بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی این کشورها و نیز مجامع علمی و فرهنگی غربی، قدردانی شده است: اعطای ۶ مدرک دکترای افتخاری از سوی دانشگاههای پاکستان، سوئد، ترکیه و ایران به ایشان و نیز بسیاری نشانهای افتخار و جوایز مختلف، مانند جایزه فریدریش روکرت (۱۹۶۵)، مدال هامرپورگشتال (۱۹۷۴ - اطریش)، نشان «ستارهٔ قائد اعظم» (پاکستان ۱۹۶۵) و... - آخرین آنها - «جایزه صلح اتحادیهٔ ناشران و کتابفروشان آلمان» (۱۹۹۵) و نیز «نشان دوستی» جمهوری ازبکستان (۲۰۰۲ م).^۲

بدون تردید ویژگیهای شخصیتی و مشرب علمی پروفیسور شیمیل، از او چهره‌ای به یادماندنی در نزد علاقه‌مندان به مباحث عرفان پژوهی

و متفکران جوامع اسلامی به یادگار نهاده است. شیوه و سبک نگارش و تسلط و تبحری که شیمیل در زمینه تخصصی خود دارد، گیرائی و کشش چشمگیری به آثار او داده است. وی از طریق آثارش، توانسته است در ایجاد فضایی مناسب برای داد و ستد اندیشه در بین فرهیختگان شرق و غرب تأثیر بسیاری داشته باشد. امروزه آثار این بانوی دانشور، مأخذی معتبر برای اهل تخصص و تفحص و دانش پژوهان رشته‌های گوناگون آن حوزه به شمار می‌آید. خاصه آنکه در میان تألیفات و ترجمه‌های او کمتر نوشته‌ای را می‌توان یافت که جای جای آن قطعه شعری زیبا از سراینندگان شرق گنجانیده نشده باشد. به باور او «جهان شعر، جهان آشتی است.»^۳

۳- سخنرانیهای ایراد شده در همایش عرفان^۴

۱- دکتر اصغر دادبه، (دبیر علمی همایش)؛ ابتدا با تفرّلی به دیوان حافظ چنین آغاز کرد:

معاشران گره از زلف یار باز کنید

دمی خوش است، بدین قصه اش دراز کنید
حضور خلوت انس است و دوستان جمعند

و ان یکاد بخوانید و در فراز کنید...

دکتر دادبه در ادامه شرحی مختصر از روند برگزاری همایش «عرفان، پلی میان فرهنگها» ارائه نموده و به علل انتخاب عنوان و همایش مفصلی در این باب اشاره کردند.

وی در ادامه گزارشی از روند انتخاب مقالات برگزیده، سخنرانان و نحوه برنامه ریزی همایش دوروزه عرفان، ارائه کردند.

۲- دکتر غلامرضا اعوانی، سخنرانی افتتاحیه همایش را با تجلیل از مقام شامخ علمی و ویژگیهای قابل ستایش شخصیت پروفیسور آنه ماری شیمیل، آغاز کردند. ایشان سه محور اساسی را در نزد خانم شیمیل درخور توجه و تعمق دانستند: اول، طرز زندگی ایشان به عنوان یک محقق و پژوهشگر است. ایشان دومین محور مهم در ارزیابی شخصیت و آرای خانم شیمیل را مربوط به فهم و درک وی از موضوعات مورد تحقیق خود دانست. خانم شیمیل با ارتباط برقرار کردن با «فرهنگ زیسته و زندگی» مسلمانان، که از طریق سالهای متمادی زندگی در بین جوامع اسلامی و مطالعه درباره فرهنگ و تمدن آنها، به دست آورده بود، امکان و توانایی فهم و درک بسیاری از مسائل اساسی فرهنگ اسلامی و شرقی را یافته است.

سومین محور از این زمره، تأثیرپذیری بسیار خانم شیمیل، از نفس مولانا، بوده است. به گونه‌ای که او را قادر ساخته است تا از طریق آموزه‌های عمده مولانا، پلی بین فرهنگهای مختلف برپا کند. جالب اینکه حضور مولانا در زندگی خانم شیمیل به گونه‌ای بوده که وجود او را سرشار نموده است.

دکتر اعوانی در ادامه، عرفان را اساس گفت و گوی تمدن‌ها معرفی نمود و جای آموزه‌های عرفانی را، که لب لباب حکمت جاویدان یا حکمت خالده است، در بین علوم دانشگاهی امروز، که همه از زمره علوم جزوی محسوب می‌شوند، خالی دانست. عرفان وجود انسان را از حضرت حق پر می‌کند و راه «عشق الهی» را بدو می‌نماید و او را به مرتبه کلیت و عقل کلی می‌رساند:

عقل جزئی عشق را منکر بود

گرچه بنماید که صاحب سر بود
ایشان در ادامه با اشاره به مفهوم و تلقی از عشق در نزد یونانیان به عنوان نردبان و وصول به حقیقت، تلقی حکما و عرفای اسلامی از عشق الهی را که همانا تعبیر «باطن دین» از آن داشته‌اند، مورد بررسی

قرار دادند.

وی در پایان رهروان این طریق را به الگوگیری از رویه پروفیسور شیمیل دعوت نمودند.

۳- سخنران بعدی، پروفیسور آنه ماری شیمیل بودند که گفتار خود را تحت عنوان:

«Moses and Shepherd» به زبان انگلیسی ارائه نمودند. وی در ابتدا چند جمله‌ای به فارسی، از عدم امکان سخنرانی به زبان فارسی عذرخواهی کرده و سپس شرحی از مراحل گرایش خود به مولانا و آموزه‌های او را از سنین نوجوانی به بعد ارائه کردند. ایشان در ادامه داستان موسی و شبان را در مثنوی، داستان مورد علاقه خود ذکر کرده و سخن خود را نیز درباره این داستان، بر چگونگی مکالمات موسی و شبان، و تحلیل و ارزیابی آموزه‌های حکمی - عرفانی آن، استوار کرد. خانم شیمیل داستان مزبور را حاوی روایتی از ماهیت پیامبری در قرآن و نیز هنر نیایش در ادبیات دانست. به ویژه مسئله دعا و کارکرد آن که باعث الحاق روح انسان به خدا می‌شود. وی در تداوم سخنانش خود به ارزیابی اهمیت حضور مولانا در جامعه اسلامی و تأثیرگذارهای مختلف وی در حوزه‌های فرهنگی شبه‌قاره هند، ترکیه، افغانستان و سایر نواحی پرداخته و این حضور را منشأ الهام‌گیری بسیاری از شعرای آن حوزه‌های فرهنگی، از مولانا دانست. هرچند مولانا متعلق به شرق و غرب نبوده، بلکه نوری الهی است که بر همه جا، از شرق تا غرب، پراکنده شده است.

۴- دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، در گفتاری تحت عنوان «نقش عرفان در شکل‌گیری حکمت متعالیه» ابتدا به ایضاح مفهوم حکمت متعالیه پرداخته و سپس نقش ملاصدرا را در بهره‌برداری از فرهنگ کهن اسلامی و ارائه نوآوریهای ویژه خود، ارزیابی کردند. به نظر ایشان ملاصدرا با تسلط کامل بر موضوعات و جریانهای فکری جهان اسلام، یک جریان جدید و منسجم فکری متعالی پدید آورده، توانسته است بیان و تقریر تازه و اقامه برهان بر مطالبی که برهان نداشته است، ارائه نماید.

وی در ادامه سخنان خود به چندگونه از این مسائل در نزد ملاصدرا اشاره کرد: مسئله اصالت وجود و براهینی که ملاصدرا برای آن اقامه کرده است. مسئله حرکت در جوهر، مسئله معاد جسمانی، که کسی تا به امروز به زیبایی و استحکام وی از عهده اثبات معاد جسمانی برنیامده است، حتی ابن‌سینا. دیگر مسئله «جسمانیت الحدوث و روحانیت البقا» بودن نفس که باز هیچ‌کس در دنیا چون ملاصدرا از عهده اثبات این اصل برنیامده است.

ایشان در ادامه به بررسی تأثیر عرفان در حکمت متعالیه اشاره کردند. وی همه عرفا را «وحدت وجودی» دانست. وحدت وجودی که بدون «اصالت وجود» معنا نداشته است، چرا که لازمه قطعی و عقلی قول به وحدت وجود، اصالت وجود است. اما عرفا این را برهانی نکرده بودند و تنها شرح مشاهداتشان را می‌گفتند، درحالی که ملاصدرا برای این مسئله برهان می‌آورد و حدود ۸ تا ۱۱ برهان بر اصالت وجود اقامه می‌کند. لذا ملاصدرا به وحدت، اصالت داد.

به نظر دکتر دینانی، ملاصدرا حرکت جوهری را از عرفان گرفت. در واقع در عرفان «تجلیات دائم حق تبارک و تعالی» از مسلمانات است. از شئون حق، آن است که هر لحظه در شأنی است. شئون حق تجلیات حق است و این تجلیات در اساس هستی این عالم است. عرفا تجلیات حق را به امواج دریا تشبیه کرده‌اند. در حالی که موج روی سطح است و تجلیات حق در متن است نه فقط

در ظاهر، از بنیاد و اساس، عالم هر لحظه دگرگون است. هر لحظه نیست و هست. ملاصدرا آمده این را برهانی و فلسفی کرده است.

۵. دکتر شهرام پازوکی، در گفتاری تحت عنوان «عرفان صراط مستقیم گفت و گوی ادیان»، ابتدا به وجود راههای گوناگون در گفت و گوی بین‌الادیانی در نزد صاحب‌نظران اشاره کرد، درحالی که برای گفت‌وگویی حقیقی بین ادیان تنها یک راه وجود دارد. علیرغم آنکه مقایسه تطبیقی ادیان موجود امکان‌پذیر است، اما این رویه، گفت و گویی حقیقی نبوده و تنها تبادل آراء و عقاید خاصی در بین ادیان مختلف محسوب می‌شود. تحقق گفت و گوی حقیقی موقوف به رفع موانع و حصول شرایط خاصی است.

ایشان ضمن اشاره به تحقق مفهوم اصلی «گفت و گو» (Dialogue) در نزد یونانیان باستان، به ظهور مفهوم «همدلی» در نزد عارفان مذاهب مختلف پرداخت. اصولاً گفت و گوی حقیقی ادیان هنگامی میسر است که ابتدا درک شود هر یک از ادیان در ماهیت اصلی خود، درباره چه چیزی سخن می‌گویند. اگر آن چیز درک شود، آنگاه می‌توان در طریق یک گفت و گوی حقیقی گام نهاد. این گفت‌وگو ابتدا باید با خودمان باشد، بنابراین یکی از مبادی گفت و گوی اصیل، «گام نهادن فرد در مسیر یافتن خویش» است. این همان خودشناسی مورد عنایت دین اسلام است. خودشناسی مقدمه دین‌شناسی است، لذا عارفان که خودشناسی را شرط اساسی دین‌شناسی می‌دانند، بحث گفت و گوی ادیان را طرح کرده‌اند.

در ادامه دکتر پازوکی به سه نمونه گفت و گو بین عارفان مسلمان با توجه به موانع و شرایط گفت و گوی ادیان مذکور در بالا، اشاره کرد: ابن عربی عارف قرن ششم که گفت و گویی فراتاریخی در بین انبیاء الهی برگزار می‌کند. مثال دوم، دارشکوه (قرن ۱۱ م. هند) که گفت و گوی بین هندوئیسم و اسلام را برگزار نموده است و مثال سوم، مولوی است که در ورای هم‌زبانی، همدلی می‌بیند.

۶. میرزا شکورزاده، نویسنده و محقق تاجیک در گفتاری با عنوان «جایگاه حافظ در تاجیکستان» به بررسی جایگاه حافظ در ذهن و قلب مردم ناحیه ماوراءالنهر و تاجیکستان پرداخت.

۷. دکتر حمید فرزام، در مقاله «قصه نامکرر عشق عارفان»، ابتدا مسائلی را درباره عرفان به عنوان معرفت قلبی و شهودی که از طریق تزکیه نفس حاصل می‌گردد و با هدف وصول به قرب الهی تداوم می‌یابد، مطرح کرده و سپس به بررسی و ارزیابی مسئله عشق عارفان نزد عرفا پرداخت.

۸. دکتر محمدرضا ریخته‌گران، در سخنرانی خود با عنوان «مراتب هستی از دیدگاه مولوی و تطبیق آن با ودانتا» ابتدا به لزوم توجه به اختلاف در مظهریت حقیقت در نظامهای فکری، که مورد تطبیق قرار می‌گیرند، اشاره کرد و تأکید نمود که ودانتای هندوها با عرفان مولوی مظهر حقیقت واحدی نیستند.

وی سپس مبنای بحث را بر «ودانتاها» قرار داد که اصل عرفان هندویی است؛ این جملات کوتاه خلاصه عرفان هندوئی تلقی می‌شوند: «آن، توهستی»، «این آتمان، همان برهمن است». ایشان سپس به بررسی واژه «آتمان» و «برهمن»، به عنوان چکیده ودانتا پرداخت. آتمان، از حیث لغوی به معنای نفخه‌ای است که در وجود ما و خویشتن ما است. برهمن به معنای عدم تناهی و گسترش و بی‌کرائگی است. یعنی در واقع این self، این خود، سیر سویدای ما در

مقام کلیت و اطلاق، مطابق ودانتا، همان برهمن است و این همه هستی است، پس همه هستی مائیم و این معنی در نزد عرفای ما، به شکل مفهوم انسان کامل تجلی یافته است:

تو به معنی جان جمله عالمی

جمله عالم خود توئی بنگر دمی

این خود، همان آتمان است که مطابق ودانتا برهمن است. همان روح کلی آفرینش و مبدأ کلی عالم.

۹. دکتر محمدرضا حسینی بهشتی، در گفتار خود با عنوان «تجربه عرفانی و پیوند میان فرهنگها»، به یک پرسش اساسی پرداخت: آیا اساساً تجربه عرفانی یا تجربه عارفانه می‌تواند پیوندی بین فرهنگها برقرار کند و اگر می‌تواند، چگونه؟ علت طرح این سؤال در این نکته نهفته است که عرفان یکی از راههای وصول به معرفت است که در کنار علوم تجربی و فلسفه، که متکی بر شهود تجربی (حسی) و عقلی هستند، قرار دارد. اگر مقایسه‌ای بین این سه راه وصول به حقیقت داشته باشیم، و نیز توجه به ویژگیهای خاص شهود قلبی و عارفانه در قیاس با آن دوروش دیگر، سؤال فوق را جدی‌تر می‌کند.

به نظر ایشان در معرفت حاصل از روش تجربه و فلسفه، بنا به آزمون‌پذیری تجربی، علمی و برهان‌پذیری عقلی، امکان مفاهمه و مشارکت دیگران امکان‌پذیر است. در حالی که در شهود و تجربه عرفانی، صبغه کاملاً شخصی آن بارز و انتقال‌ناپذیر است، لذا راهی کاملاً اختصاصی است و به قالب مفهوم و الفاظ در نمی‌آید.

۱۰. خانم دکتر ایرمگاردین (Imegard pinn)، عضو هیأت علمی دانشگاه آخن - آلمان در گفتاری تحت عنوان «عرفان در گفت و گوی تمدنها» به بررسی اهمیت مقوله عرفان در گفت‌وگویی تمدنها پرداخت. به نظر ایشان اهمیت این امر از سه جهت قابل توجه است:

۱. در گفت‌وگویی میان دینی که عرفان گویی به منزله حلقه اتصال میان ادیان سه گانه جهانی یهود، مسیحیت و اسلام است.

۲. در عرصه هنر، که به ویژه در حوزه شعر و موسیقی اهمیت دارد.

۳. در نهایت، به عنوان موضوع پژوهش و تعلیم فلسفه، علوم انسانی و علوم اجتماعی. وی با تأکید بر اینکه تاکنون تقریباً مفاهمه و تبادل بین این سه قلمرو صورت نگرفته است، سؤال اصلی گفتار خود را بر «میانی عدم توجه متقابل سه حوزه فوق‌الذکر» متمرکز کرده و به یک سلسله میانی در فلسفه و علوم اجتماعی که باعث غلبه بر این مشکل خواهند شد، اشاره کرد.

خانم پین در ادامه به سخنان آقای خاتمی درباره گفت‌وگویی تمدنها و پیامدهای آن در جامعه اروپایی اشاره کرد. بحث مشابه با آن، مقوله عرفان است که در بین کشورهای اروپایی رواج چشمگیری یافته و اقبال زیادی به چهره‌های عرفانی صورت می‌گیرد.

وی در خصوص نقش عرفان در گفت‌وگویی تمدنها، به لزوم پرهیز از محدود شدن به مباحث نخبگان در عرفان تأکید نموده و متذکر شد: در گفت‌وگویی بین فرهنگها باید به گونه‌ای عمل کرد که مخاطبان غیردینی نیز لحاظ شوند. لذا باید دو قلمرو را از هم جدا کرد؛ گفت‌وگو با کسانی که دینی‌اند و کسانی که غیردینی‌اند، که هر کدام یک زبان ویژه دارند. در سطح آکادمیک هم، عرفان شبیه موضوعات دیگر مطرح می‌شود، در حالی که مضامین فوق‌العاده‌ای وجود دارد که به زبان آکادمیک قابل بیان است و می‌تواند محور بحث مشترک قرار گیرد.

۱۱. سجاد آیدنلو، در گفتاری با عنوان «خویشکاری مشترک «نی» در بندهشن و مقدمه مثنوی» بحثی را در بررسی مقایسه‌ای حماسه و عرفان مطرح کرد.

۱۲. سخنران بعدی همایش، دکتر محمود نوالی عضو هیأت علمی گروه فلسفه، دانشگاه تبریز بود که مطلب خود را تحت عنوان «مقدمه‌ای بر معرفی مشابهاًت و اختلافات پدیدارشناسی و عرفان» ارائه نمود. وی در سخنان خود ابتدا به اهمیت رویه تطبیق در به دست آوردن مشترکات بنیادی و پایدار، برای فراهم آوردن امکان تفاهم بین تمدنها، اشاره کرد، چرا که علاقه‌مندی انسانها در هر تمدنی، خاصه در عرفان و پدیدارشناسی به دیدن «خودشیء» و یافتن حقیقت و ماهیت آن است و این امر به دلیل دست‌یابی به یک مبنای واحد، باعث احساس خویشاوندی بین انسانها می‌شود.

دکتر نوالی در ادامه افزود: از سویی حکمت عرفانی آرزوی دیدن اشیاء را به صورتی که هست، دارد، و از سویی پدیدارشناسی در جست‌وجوی «خود شیء» بوده و ماهیت زیربنایی را می‌خواهد شهود کند. لذا در واقع هر دو از ظواهر و تجلیات، راهی به باطن می‌جویند.

۱۳. دکتر مهدی محبتی، دیگر سخنران همایش، گفتار خود را با عنوان «از تجربه تا تعبیر؛ تأملی در بافت متناقض نمای زبان عرفا» ارائه کرد. وی ابتدا با اشاره به اقرار عرفا به ناتوانی و نارساییهای زبان در کشف و بیان اسرار جان (مانند شبستری):

«معانی هرگز اندر حرف ناید

که بحر قلمز اندر ظرف ناید».

به بررسی علل وجود این پدیده در زبان و ادبیات عرفانی فارسی پرداخت. به نظر او اگر عمیق‌تر با بافتها و ساختهای نحوی و واژگان زبانی و کارکردهای معناشناسانه آن مواجه شویم، نتایج درخوری برای این بحث به دست می‌آوریم. یعنی مدعیات عرفا در این خصوص را صرف اکرام تجربه عرفانی تلقی نکرده، بلکه در صدد آن برآیم که چرا معنادر حروف نمی‌آید؟

۱۴. کاترینا خاچطوریان، در گفتار خود با عنوان «تذکرات اولیه ابلیس در منابع اولیه صوفیه در ایران»، ضمن اشاره به موقعیت ابلیس در قرآن، و منابع صوفیه به نقش ابلیس در طریقت صوفیه پرداخت.

۱۵. دکتر بهروز ثروتیان نیز گفتاری با عنوان «دل محوری و مشاهدات عارفانه در شعر نظامی و حافظ»، بیان نمود.

۱۶. دکتر محمود ارژل قلیچ، (Dr.M.Erol kilic) عضو هیأت علمی دانشگاه آنکارا - ترکیه گفتاری را درباره عشاقیه با عنوان: Hasan Husamuddin al-Ushshaqi (d.1001) and ushahaqiya order [حسن حسام‌الدین العشاقی (فوت ۱۰۰۱) و طریقه عشاقیه] ارائه کرد. سیدحسن حسام‌الدین، از صوفیان مشهور عثمانی (متولد بخارا - حدود ۸۸۰ هـ.) نسبش به امام حسن می‌رسید.

۱۷. دکتر قاسم کاکائی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه شیراز سخنران دیگر همایش در گفتاری با عنوان «عرفان اسلامی، عرفان مسیحی: تساهل و تسامح» در خصوص مسئله «گفت و گو» در دین اسلام، که همچون گوهر و اصل دین قلمداد شده است، سخن گفت.

۱۸. فریده مهدوی دامغانی، دیگر سخنران همایش در گفتاری

با عنوان «شناخت عرفان در اروپای قرون وسطی» به بررسی مقوله عرفان و تأثیر آن در تکامل معنوی و روحانی امروز بشر یا عنایت به الگوهای اصیل و ناب عرفای قرون وسطایی اروپا پرداخت.

۱۹. دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی، در سخنرانی خود تحت عنوان «جایگاه زن در اسلام از نظر پروفیسور آنه ماری شیمل»، به دیدگاه عارفانه پروفیسور شیمل به مسئله زن در اسلام پرداختند. به نظر ایشان پروفیسور شیمل نقاد دیدگاه مسلط دین‌پژوهی در محافل آکادمیک غرب به شمار می‌رود. همچنین در دیدگاه پروفیسور شیمل به جایگاه معنوی زنان در ادیان و به ویژه اسلام اهمیت بسیاری داده می‌شود. به نظر ایشان تحقیقی پدیدارشناسانه درباره اسلام ضروری است، چرا که بیش از بسیاری از غربیان درباره جایگاه زن در اسلام نادرست است.

پس از آن دکتر آیت‌اللهی با توجه به دیدگاه عرفانی پروفیسور شیمل، به مقوله زن در اسلام، پرداخت.

۲۰. دکتر اصغر داده، سخنران خود را با عنوان «حافظ زبان گویای فرهنگ ایرانی - عرفانی» ارائه نمودند. او ضمن مروری اجمالی بر سیر فرهنگ ایرانی - اسلامی در ایران، حافظ را میراث‌دار زبان فرهنگ گرانسنگ ایرانی - اسلامی دانست. به نظر ایشان، حافظ با التقاط - به مفهوم مثبت کلمه - اندیشه‌های گذشته، برآیند جدیدی به دست داده است؛ که آن را می‌توان تحت عنوان «مکتب رندی» معرفی نمود. اینکه حافظ چگونه گفته است و چه گفته است، باعث شده است تا زبان گویای فرهنگ قبل از خود گردد.

۲۱. دکتر سعید بینای مطلق، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه اصفهان، بحث خود را در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم اونیورسال در متافیزیک و مدرنیته» ارائه کرد. او اظهار داشت که «دیدگاه متافیزیکی» و نیز «دوره مدرنیته» یا «عصر جدید»، بر گونه‌ای از اونیورسالیته استوار است. یعنی از نظرگاه متافیزیکی، «حقیقت کل یا مطلق»، «اونیورسال» (Universal) است. پس به یک صورت یا به یک شکل خاص نبوده، بلکه فراسوی چندگانگی است، اما به صورت بی‌شمار درمی‌آید. به عبارت دیگر، «حقیقت کل» بی‌رنگ است، ولی سرچشمه رنگهاست و رنگارنگ جلوه می‌کند.

«عصر جدید» نیز اونیورسال و در نتیجه جهانی است. «مدرنیته» در یکجا آرام و قرار نمی‌گیرد، بلکه فراگیر و جهانگیر است. «نیستی‌سه»، «تکنیک مدرن» و همچنین «حقوق بشر»، از جمله مظاهر اونیورسال جدید هستند.

دکتر بینای مطلق در گفتار خود، ابتدا با تبیین مفهوم اونیورسال در حوزه متافیزیک و مدرنیته، تلاش نمود تا نشان دهد چگونه می‌توان بر اساس اونیورسال متافیزیک به تعریفی از مدرنیته دست یافت.

۲۲. دکتر میرزا ملا احمد، رئیس انجمن ایران‌شناسی و آکادمی علوم تاجیکستان، در سخنرانی خود با عنوان «تحقیق در خصوص عرفان و تصوف در تاجیکستان»، شرحی از روند کارهای پژوهشی در این حوزه ارائه داد. به نظر او تا سالهای اخیر به دلیل سلطه نظام کمونیستی بر کشور تاجیکستان، عرفان‌پژوهی مطرود و ضعیف بود، لذا بسیاری از دانشمندان تاجیک نتوانستند به تحقیق درباره این موضوع بپردازند. تا اینکه در دهه ۱۹۶۰ م. با تغییر سیاستهای فرهنگی حاکم بر شوروی، تحقیقات درباره تصوف شروع شد و «علاء‌الدین بهاء‌الدین اف» اولین کارها را آغاز کرد و نظریه مثبتی نسبت به عرفان ابراز نمود.

شیمیل»، به بررسی تأثیر شخصیت و آرای علامه محمد اقبال در فرایند شکل‌گیری حیات علمی پروفیسور شیمیل پرداخت.

۲۹. محمدحسین ساکت، در گفتاری تحت عنوان «شیمیل، اقبال و فرهنگ آلمان»، به بررسی چگونگی شیفنگی متقابل علامه محمد اقبال لاهوری به فرهنگ و ادبیات آلمان و پروفیسور آنه ماری شیمیل به شعر و شعور علامه اقبال پرداخت.

۳۰. دکتر علی رهبر رئیس مؤسسه کانون معنویت ایران در آلمان، آخرین سخنران همایش، گفتاری تحت عنوان «تلاشهای پروفیسور شیمیل در شناسایی عرفان فرهنگ ایران» را با تقدیم شعری به پروفیسور شیمیل:

گل صد برگ به پیش تو فرو ریخت زخجلت

که گمان برد که او هم رخ رعنائی تو دارد
ارائه کرد. وی با بررسی کلی فعالیتهای پروفیسور شیمیل در حوزه عرفان و ادب ایران، وی را از جمله ایران‌شناسان بزرگ باختر زمین برشمرد.



پانوش:

۱. برای آگاهی از فهرست آثار ایشان که به صورت کتاب انتشار یافته است، ر. ک: خسرو ناقد: کتابشناسی آثار پروفیسور آنه ماری شیمیل، در: **دریچه دانش**، خبرنگار مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، مهر ۱۳۸۱، ویژه همایش عرفان، پلی میان فرهنگها، صص ۲۴-۱۹.

۲. برای دیدن شرح مفصل نشانهای افتخار و جوایز مختلفی که به پروفیسور شیمیل اعطا شده است، ر. ک: حسین خندق‌آبادی، **افسانه خوان عرفان - پروفیسور آنه ماری شیمیل**، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۱، صص ۲۵-۲۴.

۳. لازم به یادآوری است در تهیه این زندگینامه مختصر از مأخذ زیر بهره‌جسته‌ام: حسین خندق‌آبادی، **افسانه خوان عرفان**، پروفیسور آنه ماری شیمیل، صص ۴۵-۱۷.

۴. گفتنی است سخنرانیها به ترتیب ارائه در همایش، آورده شده است.

دکتر ملا احمد در ادامه سخنان خود، به بررسی اهم کتابهای «بهاء‌الدین اف» در این خصوص پرداخته و ویژگیهای اصلی آنها را به بحث نهاد: کتبی چون **تاریخ فلسفه تاجیک در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی**، **افکار فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی**، همچنین سایر اشارات ایشان به تألیفات دانشمندان بزرگ تاجیک در عرفان پژوهی درخور توجه بود.

۲۳. دکتر رضا انزایی نژاد؛ درباره «چیستی و چرایی شعریت نثرهای عرفانی»، که عنوان گفتار ایشان بود، ضمن اشاره به خصلت «پرسندگی و رازجویی» انسان، این خصلت را منشأ همه آگاهیها و شایستگیهای انسان - به عنوان «خلیفة الهی» دانستند.

اما به نظر ایشان، کهن‌ترین و بزرگ‌ترین چیستان برای انسان «سر الاسرار هستی» بوده و هست: ذات آفریدگار، و در کنار آن «چرایی آفرینش، و از کجا و به کجایی آن». در واقع عرفان، تجلی و نمود این «رازجویی» آدمی است.

دکتر انزایی نژاد در ادامه، ضمن بررسی روش «کشف و شهودی عرفان»، تجلی آن را در لفظ و قالب، یعنی «شعریت و موسیقی کلام»، به بحث گذارد.

۲۴. دکتر هایده قمی، دیگر سخنران این همایش، در گفتار خود با عنوان «عرفان فراسوی تمامی تفاوتها» با نگاهی به مفهوم و تجلی حقیقت در سنن غیراسلامی از دیدگاه مولانارومی پرداخت.

۲۵. دکتر هرمز رحیمیان، نیز در گفتاری که تحت عنوان «چند وجه مشترک در عرفان ملامتیه و مکتب سورنالیسم»، ارائه نمودند، به بررسی تطبیقی دو مکتب معروف سورنالیسم در مغرب زمین و عرفان عاشقانه مشرق زمین (خاصه شاخه ملامتی آن) پرداخت. ایشان ضمن اشاره به سودمندیهای روش مقایسه‌ای در درک بهتر انواع ادبی ملل جهان، به بررسی برخی از اصول مشترک و نگرشهای همسو و همانند مکتب سورنالیسم با عرفان ملامتی پرداخت.

۲۶. گیتی آرین، عضو هیأت علمی کتابخانه ملی، در گفتار خود تحت عنوان «پژوهشی درباره نامهای ایرانی» با توجه به پژوهش پروفیسور شیمیل در کتاب **نامهای اسلامی** به بررسی کتاب مهم پروفیسور شیمیل در خصوص نامگذاری در ایران، ریشه‌های اسامی زنان و مردان، تطور اسامی مختلف در جامعه اسلامی و غیره پرداختند. خانم آرین، ضمن اشاره‌ای به نامهای دوره جاهلیت، به ساختار، اجزاء و انواع اسمها یعنی اسم عَلم، کنیه، نسب، نسبت، لقب، اسم مستعار، تخلص و غیره، به اهمیت نامگذاری اشخاص به عنوان یکی از بارزترین عوامل ایجاد ارتباط بین افراد و فرهنگها، به خصوص در جهان اسلام، اشاره کرد. بررسی تطور نامگذاری در ادوار تاریخی ایران که همگام با تحول در ایدئولوژیها و اوضاع اجتماعی و سیاسی صورت می‌گرفت، درخور توجه است.

۲۷. حسن لاهوتی در گفتاری که تحت عنوان «خدمات پروفیسور شیمیل به عرفان و ادب ایران» ارائه کردند، ضمن بررسی آثار مهم خانم شیمیل، به اهمیت و ارزش کار ایشان در ادب و عرفان ایرانی اشاره کردند. لاهوتی، ارزش کار خانم شیمیل را در پرهیز از هرگونه شبهه‌پراکنی مترجمان اروپایی اشعار فارسی و نشان دادن جایگاه واقعی دنیای عرفان و ادب ایرانیان به جامعه غربی، دانست.

۲۸. دکتر خسرو ناقد، در سخنرانی خود تحت عنوان «اقبال